



استادظریف امین یار

## صلح هیچگاه ذیلانه نیست !

می گویند بهترین مترجم کسی است که سکوت دیگران را ترجمه کند. امروزه به یقین باید گفت که همه مردم افغانستان از هر قومی و تباری که باشد رسیدن به صلح را بیشتر از هر آرمان دیگر دوست دارند و برای نیل به این آرمان مقدس می کوشند. صلح برای افغانستان در چنین یک وضعیت وخیم کمتر از ودیعه خداوندی نیست، صلح توتّم مردم افغانستان است، صلح آروزی دیرینه فرد فرد افغان است، صلح خیر است و صلح جهاد است، رفاه است، توسعه است، وحدت، اتحاد و یکپارچگی است و بلاخره صلح آینده روشن برای مردم افغانستان است. در این حال عده ای هستند برای منافع شخصی، سمتی، قومی و سیاسی خود سخت در تلاش اند، جلو تحقق این آرمان مقدس مردم افغانستان را بگیرند و پروژه صلح را سبوتاژ کنند.

تردیدی نیست که مجاهدین بعد از سقوط حکومت داکتر نجیب الله قادر نشدند حکومتی را تشکیل بدهند که شایسته جهاد و حفظ افتخارات جهاد مقدس مردم افغانستان باشد. می دانم انقدر جنایت و گناه از رهبران و قوماندانان جهادی سر زده که اگر گناه وزن می داشت هیچ یکی از رهبران را توان آن نبود که قدم بردارند. وقتی بحث عدالت مطرح میگردد کسی که گناه کرده باید مجازت گردد و نباید بین آنها تمایز قایل شد. بدین اساس هیچ رهبر جهادی از رهبر دیگر کمتر و بیشتر و خوبتر و بدتر نیست، متأسفانه دست همه آن آلوده به خون ملت مظلوم و فداکار افغانستان است. پس قهرمان سازی یکی و مجرم قرار دادن دیگری حین بی خردی و دوری از منطق، انصاف و عدالت است.

عدالت انتقالی بگانه راه رسیدن به عدالت واقعی در کشور بود که توسط مجاهدین و سیما سمر رییس کمیسیون حقوق بشر افغانستان از بین برده شد. وقتی رهبران دیگر جهادی خود را بی گناه و حق به جانب می دانند و جنایات حکومت خود را به جنگ تحمیلی توجیه می کنند، حکمتیار و حزب اسلامی را نیز نباید از این امر مستثنا قرار داد. وقتی جنایات حزب وحدت، حزب جمعیت، حزب اتحاد، حزب جنبش و دیگر احزاب بخشیده می شوند و رهبران آن بعنوان شهید وحدت ملی، قهرمان ملی، پدر معنوی جهاد، معاون اول رییس جمهوری افغانستان مورد اعزاز قرار می گیرند پس هیچ عیبی ندارد که حکمتیار نیز در جمع این قهرمانان علاوه گردد.

آزادی سیاسی، فکری، اعتقادی و آزادی زیستن و همچنان آزادی انتخاب کردن مهم ترین دست آورد برای یک جامعه می باشد که متأسفانه ما در افغانستان تا هنوز به آن دست نیافتیم. بدبختانه مردم در افغانستان به خود باوری و شعور سیاسی و اجتماعی که بتوانند درست و نادرست و خوب و بد را تفکیک کنند نیرزد تا کنون نرسیده اند. همین علت است که بجای آنکه این رهبران جنایتکار را به محاکمه بکشاند زیر چتر آنها مبارزات باطل و فاسد قومی را انجام میدهند. پیروانان کور همه روزه توسط رهبران ایشان به این و آن بفروش میرسند و این حکایت در طول تاریخ معاصر افغانستان صدق میکند. لیکن در کشوری که فقط ۲۸ فیصد مردم آن دارای سواد حیاتی هستند آیا توقع بیشتر از این از مردم آن منطقی خواهد بود؟ پاسخ این سوال در تعمق عقلایی نهفته است.

جنگ دوامدار در کشور مردم افغانستان را اغلب بی انصاف، بی منطق و خود محور کرده اند. در این حال در آیت قشر نخبه و سیاسی کشور احیای این بدبختی و مبارزه برای وحدت، اتحاد و اتفاق در بین مردم است نه ترویج بی خردی و تفرقه. قشر سیاسی کشور باید هر حرکتی را که براه می اندازند سود و ضرر آن و تمام ابعاد آن را بسنجند. باید بدانند که در حال حاضر هیچ چیز مهمتر از صلح نیست و رسیدن به صلح هیچگاه ذیلانه نمیتواند باشد. در صلح هیچ طرفی برنده و بازنده نخواهد بود بلکه همه ملت برنده خواهد بود.

اشخاصیکه سرو صدا بلند کرده اند و شعار میدهند که حکمتیار یک بنیاد گرای تروریست و آدم کش آدیالوژیک است باید بدانند که هیچ رهبری جهادی وجود ندارد که این اوصاف و القاب را مردم افغانستان نثار آن نکرده باشند. چیزی که در حال حاضر مهم و ضرورت مردم است، آن رسیدن به صلح است و اگر حکمتیار آماده به صلح و ترک جنگ است بدون تردید این یک انکشاف فوق العاده برای مردم افغانستان است و باید از این پروژه برای آینده بهتر افغانستان حمایت و پشتیبانی کرد. هیچ شریک تر از صلح اصلاً وجود ندارد. صلح راه عشق، علم و توسعه و انکشاف است دوری از آن غضب، اسارت، جهالت و ناکامی را ببار می آورد. تا عشق نباشد انگیزه، جنون و علم پروری در کار نیست. پس عشق را بیاورید و آن را در رگ رگ هر افغان بکارید تا افغانستان عاشق شود و تولید و پیام این دیار عاشق به مردم دنیا بجای تروریسم، افراطیت و مواد مخدر، صلح، علم و دانش باشد.

چیزی دیگری که باید شعوراً درک گردد این است که طبعاً با آمدن حکمتیار که یک چهره با نفوذ جهادی و رییس بزرگترین حزب جهادی افغانستان می باشد، در میدان سیاسی افغانستان یک سری تحولاتی بوجود خواهد آمد. این تحولات به بعضی ها سود را ببار خواهد آورد ولی به بعضی هفلات سیاسی ضرر های از دست رفتن موقف های سیاسی ایشان مطرح است. در لیست متضررین احتمالی سیاسی از آمدن حکمتیار، جمعیت و اتحاد و هفلاتی از وحدت نیز شامل میگردد. بدون شک با آمدن حکمتیار امتیاز طلبی های نامطلوب و نامشروع از ناحیه جهاد این احزاب و گروه ها از بین رفته و توازن قدرت جهادی در کشور بر اصل درستش بر خواهد گشت. این موضوع برای مخالفین حکمتیار که اکثرأ مجاهدین می باشند کاملاً قابل درک است. آنها همچنان می دانند که برگشت حکمتیار کاری تصادفی نیست و پشت این همه تحولات سیاسی گسترده در کشور اراده و حمایت قاطع غرب به شدت وجود دارد.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آن لاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پاڼوالی د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

هنوز چگونگی آمدن و نا آمدن حکمتیار قطعی نیست اما بسیاری هلاکت تبلیغات بسیار شدید و بعضاً باطل و بی اساس را در رسانه ها بشمول روزنامه هشت صبح آغاز کرده اند که قطعاً معقول و مترادف با منافع کشور در حال حاضر نیست. من اعتقاد دارم اینگونه تبلیغات کاذب سبب محبوب شدن بیشتر حکمتیار و زمینه سازی برای آن زیر چتر قومی میسر می گردد. متأسفانه در افغانستان رخ سیاست کاملاً قومی شده و حتی بسیاری اوقات از کاذب ترین و فاسدترین چهره ها بخاطری داعیه قومی دفاع صورت می گیرد و این انکشاف سیاسی نیست بلکه زوال سیاسی کشور است و سالها را در بر خواهد گرفت تا احیای و عبور از این فاز باطل و جاهل سیاسی میسر گردد.

آنچه را باید ملت افغانستان در حال حاضر رویش پافشاری کند ، این است که بعد از آمدن حکمتیار ملت افغانستان تمام رهبران جهادی را مجبور به معذرت خواهی در قبال جنایات مرتکب شده ؛ از مردم افغانستان کنند. در حال حاضر که قصه عدالت انتقالی مفت شده ، مجبور کردن رهبران جهادی به معذرت خواهی یگانه راه مساعد ترمیم عدالت نسبی در کشور بنظر میرسد. این را باید اعتراف کرد که مردم از جنگ و عدم ثبات و امنیت در کشور دیگر خسته شده اند و آماده هستند برای صلح حتی از بعضی ارزشهای دموکراتیک عذر کنند. و این وضعیت مردم مظلوم کشور قابل درک است.

آمدن گلبدین حکمتیار روند ظاهراً ناکام صلح را در کشور جان و نوید جدید می بخشد. این انکشاف تعهد متحدین بین المللی افغانستان و اراده حکومت وحدت ملی را در قبال صلح ثابت و تقویه میکند. پی آمد مثبت این جریان تقویه روحیه حکومت وحدت ملی، برگشت توازن قدرت در داخل کشور، و همچنان ترویج طالبان برای صلح با دولت می باشد. این موفقیت در خصوص دستیابی به صلح به جهانیان نشان میدهد که جریان صلح وقتی میتواند موفق بشود که بین الافغانی باشد. از همه مهمتر این انکشافات روحیه مردم را در افغانستان تقویت می کند و تأثیرات مثبت بالای اقتصاد افغانستان نیز دارد. هر کس در این وضعیت وخیم و گسیبستی خلاف داعیه صلح در کشور قرار میگیرد یقیناً که منافع ملی کشور را تعریف نمی تواند یا هم برای اصالت فردی و قومی و تنظیمی اصالت جمعی را قربان میکند.

در نهایت باید گفت که صلح تو را دوست دارم، کشورم از هرچه بیشتر در حال حاضر نیازمند تو است، به تو عشق می ورزم، بی تو زندگی دشوار است و بی تو کشورم نمی تواند مستقل و خودکفا باشد، بی تو نه من هستم و نه هم کشورم و نه این عشق و محبت و آزادی و سرفرازی خواهد بود. من همانند مجنون برای آمدنت لحظه شماری می کنم زود بیا و افغانستان عزیزم را دوباره دیار عشق، علم، فرهنگ و افتخار بساز.

به امید صلح  
استاد امین یار  
کابل  
۳ جوزا ۱۳۹۵

---

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
يادونه: دليکنې دليکنيزې بنې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په ځير و لولئ